



گزینه ۱

۱

در مصراع گزینه ۱ " نیز مثل بیت صورت سؤال، به وجود پشتیبانی که مایه دلگرمی است، اشاره شده است.

گزینه ۲

۲

در عبارت "کام نهنگ"، واژه "نهنگ" پس از " = " آمده است و مضاف‌الیه است. در بیت نیز "دام وصل" ترکیب اضافی است که "وصل" مضاف‌الیه است. در جمله "تذروی خوش خرام را در دام وصل آرم"، "تذرو" هسته گروه مفعولی، "خوش خرام" صفت بیانی، و "دام" متمم است.

گزینه ۴

۳

نهاد: "وردت" / متمم: "کنج فقر" بعد از حرف اضافه "در" / صفت بیانی "تار" (تاریک) (خلوت شب‌های تار) بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: نهاد "منزل"، "مقصد"، "هیچ راهی" و "پایان" / متمم: "آن" (در "که آن را")، در اینجا "را" نشانه مفعول نیست، بلکه به معنای حرف اضافه "برای" به کار رفته است. / صفت بیانی: ندارد

گزینه ۲: نهاد: "دور گردون" و "حال دوران" / متمم: "مراد ما" (بعد از حرف اضافه "بر") / صفت بیانی: ندارد.

گزینه ۳: نهاد "خار مغیلان" / متمم: "بیابان" (بعد از حرف اضافه "در")؛ "شوق کعبه" (بعد از حرف اضافه "به") / صفت بیانی: ندارد.

گزینه ۴

۴

مصراع "گرچه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید" شخصیت‌بخشی ندارد. "دل بد کردن" کنایه است، "دور" با "دو" جناس دارد، "سیل فنا" نیز تشبیه دارد.

گزینه ۳

۵

حافظ شیرازی، بزرگ‌ترین غزل‌سرای ایران است که در قرن هشتم در شیراز زندگی می‌کرد. وی به‌عنوان "لسان‌غیب" ملقب است.

گزینه ۲

۶

احزان: حزن‌ها، اندوه‌ها، غم‌ها

گزینه ۲

۷

املاي "به‌رغم" به همین شکل درست است.

"خار" یعنی تیغ گل و "خوار" یعنی پست و حقیر. با این وصف جای خالی هر دو بیت صورت سؤال، با کلمه "خار" پر می‌شود: (الف) من داشتم از کف پا خار بیرون می‌آوردم که آن سرو دویست باغ و گلشن و گلزار من را پیدا کرد. (در اوج بدبختی بودم که آن یار، آن مایه خوشبختی من را پیدا کرد) (ب) برای این باغ گل‌های بسیاری شکفته می‌شود ولی کسی از این باغ گلی نچیده است، مگر آن که حتماً بلای خاری را تحمل کرده است. (رسیدن به هر چیز ارزشمندی، نیاز به گذر از سختی‌های خاص آن دارد)

بیت گزینه "۱" نیز مثل بیت صورت سؤال از گذر زمان و خوشی‌ها و ناخوشی‌های آن سخن می‌گوید.

واژه‌های "شهریار" و "حافظ" در ابیات صورت سؤال، واژه‌های تخلص هستند که "شهریار" در گروه "سوز دل شهریار" مضاف‌الیه است و "حافظ" که مورد خطاب قرار گرفته است، منادا است.

"خالق چهارمقاله": نظامی عروضی، قرن ششم  
 "صاحب گلستان": سعدی، قرن هفتم  
 "لسان غیب": حافظ، قرن هشتم

ژرف: عمق، عمیق

در ابیات گزینه‌ها، "کنعان"، "گلستان"، "پایان"، "دوران" و "توفان" قافیه شده‌اند که "دوران" در گروه "حال دوران" مضاف‌الیه است نه هسته.

در بیت صورت سؤال می‌خوانیم: "اگر گردش گیتی در یک بازه زمانی کوتاه برخلاف میل ما بود، نباید غم خورد. دنیا، بالا و پایین بسیار دارد و یکسان نیست." بیت گزینه "۳" نیز مثل بیت صورت سؤال اعتقاد دارد جهان بی‌ثبات است. بررسی ابیات: گزینه "۱": وقتی غم و شادی جهان را باهم مقایسه کردم، فاصله آن‌ها فاصله زمین تا آسمان بود. گزینه "۲": من از کجا غم و شادی این جهان از کجا؟ من از کجا و غم باران و ناودان از کجا؟ من از این مسائل مادی رسته‌ام. گزینه "۳": ای حافظ، وقتی غم و شادی جهان در گذر است و ثابت نیست، بهتر آن است که من خاطر خودم را خوش نگه دارم. گزینه "۴": روزی که غم و شادی در جهان پا نهاد، شادی به سوی او رفت و غم به سوی ما آمد.

گزینه ۳

۱۵

در همهٔ گزینه‌ها "خدمت به خلق" نکوهش شده است به جز گزینهٔ "۳". در بیت این گزینه شاعر عبادت را خدمت به خلق می‌داند و آن را می‌ستاید.

گزینه ۲

۱۶

در عبارات گزینه‌ها، گروه‌های "خوب زیستن"، "چند رهنمود و پند" و "انتقادهایش" نقش دستوری مفعول دارند.

گزینه ۱

۱۷

بیت گزینهٔ "۱" نیز مانند بیت صورت سؤال، به بی‌ثباتی دنیا اشاره می‌کند و آن را عاملی می‌داند برای اینکه انسان، دل خود را غمگین نکند.

گزینه ۴

۱۸

می‌توان گفت "ای دل غم‌دیده" برای "دل" جان‌بخشی دارد. "به" در مصراع نخست به معنی "بہتر" و "به" در مصراع دوم حرف اضافه است، بنابراین بیت جناس هم دارد. "دل بد کردن" نیز در بیت کنایه است از "ناامید کردن خود، ناراحت شدن". اما بیت تشبیه ندارد.

گزینه ۴

۱۹

هم در بیت صورت سؤال و هم در گزینهٔ "۴"، حافظ، قرآن را گره‌گشا و امیدبخش می‌داند. باید توجه داشت که در بیت گزینهٔ "۳" نیز به عظمت قرآن اشاره شده است اما ارتباط معنای بیت گزینهٔ "۴" با بیت صورت سؤال، بسیار صریح است.

گزینه ۲

۲۰

محمدحسین بهجت تبریزی، "شهریار" تخلص می‌کرد که این نام در گزینهٔ "۲" آمده است.